



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۱/۱۰



ولی احمد نوری

آسمان شعر و ادب افغانستان در قرن بیست

به (بی بی مخفی بدخشی)

شاعره محبوب افغان



خوشم که خضر رهم شد فروغ یزدانی

که بشنوم سخن "مخفی بدخشانی"

کسی که ملک سخن را کند به (فیض آباد)

خدای (ج) باد نگهبان وی ز ویرانی

کنم ز لعل بدخشان به شعر وی دل خوش

که نزد اهل دل این باقی است و آن فانی

چه خسروان که از این خاکدان برون رفتند

که نام شان شناسد کسی به آسانی

ببین به "ناصر خسرو" که بعد نهصد سال
هنوز عرش سخن را کند سلیمانی
درین زمانه که رازی نمانده در پرده
ز پرده آر برون راز های پنهانی
عروس شعر که در حجله است گرد آلود
به آب طبع بشویش غبار پیشانی
به خامه دو زبان شانه زن به گیسویش
که نغز نیست به زلف سخن پریشانی
به گوش دختر **افغان** بخوان پیام حیات
که مادری تو و از درد دختران دانی

از مخفی بدخشی به استاد سخن خلیلی افغان:

تو ای ادیب سخن سنجی و سخن دانی
در این زمانه تو غواص بحر عرفانی
تو اوستاد سخن پروران این دوری
ز طبع، ملک سخن را کنی دُر افشانی
بسوی اهل سخن لطف تو از آن بیش ست
که سوی کلبه عاجز شدی به مهمانی
مرا که گلشن طبعم خزان شده افسوس
که از سخن، قدمت را کنم گل افشانی
به نزد اهل خرد "مخفیا" مکن هرگز
به عقل ناقص خود نسبت سخن رانی